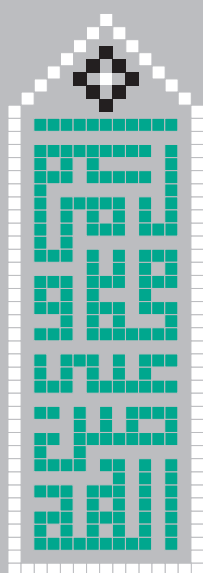


## اسماء الوحيين



# تجسم حماسه

درس‌گفتارهایی در شناخت  
هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی

به کوشش:  
محمدعلی رجیبی دوانی





سرشناسه: رجبی، محمدعلی، ۱۳۳۰ - گردآورنده  
 عنوان و نام پدیدآور: تجسم حماسه:  
 درس‌گفتارهایی در شناخت هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی /  
 به کوشش محمدعلی رجبی دوانی.  
 مشخصات نشر: تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۹.  
 مشخصات ظاهری: ۳۲۸ص. : مصور.  
 شابک: ۷-۴۹۷۰-۰۲-۶۰۰-۹۷۸  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا  
 یادداشت: کتابنامه.  
 عنوان دیگر: درس‌گفتارهایی در شناخت هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی.  
 موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- هنر و انقلاب  
 موضوع:  
 Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Art and the revolution  
 موضوع: هنر ایرانی -- تاریخ -- قرن ۱۴  
 موضوع: Art, Iranian -- History -- 20th century  
 رده‌بندی کنگره: DSR۱۵۵۶  
 رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۰۲۲۲  
 شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۵۰۵۸۷۰



## پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

### تجسم حماسه درس‌گفتارهایی در شناخت هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی

به کوشش: محمدعلی رجبی دوانی  
 ناظر علمی: سیدحسین شهرستانی  
 ویراستار: الهام سادات یاسینی  
 طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: واژه‌پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۷-۴۹۷۰-۰۲-۶۰۰-۹۷۸

فروشگاه مرکزی:

تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ،  
 جنب حوزه هنری، شماره ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲  
 فروشگاه انقلاب:  
 تهران، میدان انقلاب، جنب سینما بهمن، شماره ۱۰۲۳،  
 تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹

فروشگاه اصفهان:

میدان انقلاب، سینما ساحل، کدپستی ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱  
 تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۴۷۷۲۵-۶

### دانلود کتابخوان سوره مهر

با وارد کردن کد تخفیف (thisama) در اولین خرید  
 خود از کتابخوان سوره مهر ۵٪ تخفیف بگیرید.



نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره تماس پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی: ۸۸۸۹۶۹۳۱-۳

## فهرست مطالب

- ۶ پیش‌گفتار  
۱۳ مقدمه

### درس‌گفتارها:



- ۲۷ عکاسی انقلاب اسلامی / استاد سیدعباس میرهاشمی  
۴۷ گرافیک (نشان) انقلاب اسلامی / استاد محمد خزایی  
۶۱ کاریکاتور در هنر انقلاب اسلامی / استاد سیدمسعود شجاعی طباطبایی  
۸۳ نقاشی انقلاب اسلامی / استاد محمدعلی رجبی‌دوانی  
۹۷ نقاشی دیواری انقلاب اسلامی / استاد محمدکاظم حسنونند  
۱۱۵ مجسمه‌سازی انقلاب اسلامی / استاد: طاهر شیخ‌الحکمایی  
۱۲۵ گرافیک (پوستر) انقلاب اسلامی / استاد سیدحمید شریفی آل‌هاشم  
۱۴۳ تصویرسازی انقلاب اسلامی / استاد پرویز اقبالی  
۱۶۹ نگارگری انقلاب اسلامی / استاد: محمدعلی رجبی‌دوانی

### تصاویر:



- ۱۹۱ عکاسی  
۲۱۲ طراحی نشان  
۲۱۶ کاریکاتور  
۲۲۸ نقاشی  
۲۶۲ نقاشی دیواری  
۲۷۲ مجسمه‌سازی  
۲۸۰ طراحی پوستر  
۲۹۶ تصویرسازی  
۳۱۰ نگارگری





## پیش‌گفتار

چو کاوه برون آمد از پیش شاه  
همی برخوشید و فریاد خواند  
از آن چرم کاهنگران پشت پای  
همان کاوه آن بر سر نیزه کرد  
خروشان همی رفت نیزه به دست  
کسی کاو هوای فریدون کند  
بدان بی‌بها ناسزاوار پوست  
پدید آمد آوای دشمن ز دوست  
سر از بند ضحاک بیرون کند...  
بر او انجمن گشت بازارگاه  
جهان را سراسر سوی داد خواند  
بپوشند هنگام زخم درای،  
همانگه ز بازار برخاست گرد  
که ای نامداران یزدان‌پرست!  
سر از بند ضحاک بیرون کند...  
پدید آمد آوای دشمن ز دوست

۱. هنر و انقلاب، در طول تاریخ ارتباطی وثیق و پیوندی استوار با یکدیگر داشته‌اند. در اینجا انقلاب را به معنای اعم در نظر می‌گیریم: رخداد اجتماعی سترگ که جریان تحول تاریخ را دگرگون می‌سازد. این رخدادهای تاریخی یا رستاخیزهای اجتماعی، در متن خود تجربه‌های عمیق وجودی و غلبان اراده‌ها و عواطف انسانی را به همراه دارند. هنر، در همین لحظه شکوفا می‌شود: آن‌هنگام که احساسات عمیق و تجربه‌های ژرف و اراده‌های نیرومند، به بیان درآمده و صورتی زیباشناختی یابند، هنر آفریده می‌شود.

حماسه‌سرای ملی ما حکیم ابوالقاسم فردوسی، هوشیارانه، لحظه‌زایش هنر و اثر هنری را در گرماگرم انقلاب روایت کرده است: داستان «قیام کاوه» و خروشدین او بر بیداد ضحاک، همزمان لحظه‌پیدایش شیء نمادینی است که بعدها «درفش کاویان» خوانده می‌شود. کاوه چرم‌آهنگری خود را بر سر نیزه برآورده و بدین ترتیب، صحنه‌قیام را صورت می‌بخشد: چرم بی‌بهای او، پرچم یا «نشان» قیام می‌گردد: عنصری که روح انقلاب را به تصویر کشیده و تجسم می‌بخشد. در این هنگامه و به وساطت پرچم یا شیء نمادین است که میدان کارزار، برپا می‌شود: صف هواداران فریدون از جرگه سرسپردگان ضحاک جدا می‌گردد و درفش یا نشان قیام، همان مرزی است که دو سوی کارزار انقلاب را - داد و بیداد را - از یکدیگر ممتاز می‌کند. پس بیهوده نیست که پرچم قیام از جنس پوست باشد. چه پوست، مرز بیرون و درون است. پس پوستی بی‌بها، به‌خاطر نقش سیاسی خود در متن انقلاب، ارزشی نمادین می‌یابد و تمام بار اراده‌ها و عواطف صحنه را بر دوش کشیده و آن را مجسم می‌کند. فردوسی این فرایند تبدیل شیء روزمره و بی‌ارزش به شیء نمادین مقدس، ارزشمند و زیبا را - که در واقع تجسم ارزشهای مقدس است - حکیمانه چنین بیان داشته است:

بدان بی‌بها ناسزاوار پوست      پدید آمد آوای دشمن ز دوست

مرحله بعدی فرایند تکوین اثر هنری (به معنی عام) در روایت فردوسی هنگامی است که انقلابیون به جلوداری کاوه، به حضور فریدون می‌رسند؛ همان دادگستری که رسالت برقراری داد پس از شهریاری بیدادگرانه ضحاک برعهده اوست. و فریدون، چرم‌آهنگری کاوه را که اینک درفش قیام گردیده است، به زیور و زینت آراسته می‌کند و آن را «درفش کاویانی» می‌نامد:

فروهشت از او سرخ و زرد و بنفش      همی خواندش کاویانی درفش

پس از این آراستن و نامیدن یا «تزیین» و «تسمیه» است که آن چرم‌آهنگری، از بستر رخداد و متن حادثه و زمان گذران جاری، تعالی یافته و چون امری مقدس، وجهی جاودانه می‌یابد و خود فی‌نفسه، فراتر از کارکردش در متن واقعه، ارزشی ذاتی پیدا می‌کند. گرچه این ارزش ذاتی، خود وجهی‌ای عاریه‌ای دارد؛ درفش کاویانی از این پس، نماد ارزشها و اراده‌ها و رخدادهایی است که در لحظه تأسیس نظم تازه

و در سرآغاز انقلاب ظاهر شدند. درفش کاویانی، در طول سالها و روزگاران دور و دراز، بار تذکر به سرآغاز و بازگشت به خاستگاه را بر عهده داشته است. مناسک و آیین‌های حمل درفش کاویانی در میان شهریان و پهلوانان ایرانی، در واقع در جهت یادآوری خاستگاه شهریاری و بنیاد دادگری و رجوع به صدر اول انقلابی است که از متن آن، بنای سیاسی تازه برپا شد. پس هنر، هم در متن انقلاب، کارزار انقلاب را صورت بخشیده و نیروهای میدان را نمایندگی می‌کند و هم پس از انقلاب و با برپایی نظم سیاسی برآمده از انقلاب، این رسالت را بر عهده دارد که دائماً رخداد انقلاب را به یاد آورده و به سبب این یادآوری، بنای سیاست را بر اساس اصول آغازین، مراقبت کرده و نسبت به انحرافات و کژروی‌ها، مبنایی برای نقادی فراهم آورد.

لذا هنر انقلاب در مرتبه اول، نیروهای اساسی تکوین انقلاب را تصویر کرده و تجسم می‌بخشد و بدین ترتیب کارزار سیاسی انقلاب را در متن واقعه برپا کرده و رویارویی دو سوی کارزار را تشدید نموده و از این مسیر در سرنوشت نهایی نزاع سهیم است. در این میان، یکی از مهم‌ترین وجوه سهم هنر در متن انقلاب، تصویری است که از آینده مطلوب می‌آفریند و بدین ترتیب موجب پیدایی انگیزه و شوقی فراگیر و نیرومند برای تقابل با وضع موجود می‌شود. لذا هنر انقلاب، هنری است متوجه آینده.

از سوی دیگر در مرتبه دوم هنر انقلاب، پس از انقلاب تصویر رخداد انقلاب و ریشه‌های آن را روایت کرده و آن را در متن حافظه عمومی به عنوان خاطره‌ای جمعی، ثبت نموده و بقاء و دوام آن را ممکن می‌نماید. لذا به این وجه، هنر انقلاب هنری است یادآور گذشته و مراقب سنت.

همچنین هنر انقلاب در مرتبه سوم، با پالایش دائمی معنا و ماهیت رخداد مؤسس انقلاب، مبنایی را برای ارزیابی، سنجش و نقد سیاست و فرهنگ برآمده از انقلاب فراهم می‌آورد. لذا بدین روی، هنر انقلاب هنری است ناظر به اکنون و نقد وضع موجود.

۲. انقلاب اسلامی ایران از بزرگترین رخدادهای تاریخ و از ژرف‌ترین رستاخیزهای اجتماعی و بی‌شک فراگیرترین انقلاب سیاسی دوران مدرن است. این انقلاب در متن خود جریان جوشان و خروشان از اراده‌ها، آرمان‌ها، احساسات و اندیشه‌ها

را به بار نشانده و به میدان تاریخ آورده است. طبعاً این انکشاف بزرگ تاریخی و افتتاح عظیم وجودی، نمی‌تواند به تصویر درنیامده و در چهره هنر و آثار هنری مجسم نگردد. هنر، جزء ذاتی و قوام‌بخش انقلاب است و هنرمندان بسیاری، همگام با انقلاب حضور داشته و بلکه از متن انقلاب برآمده‌اند. همواره در طول تاریخ، رویدادهای بزرگ و هویت‌های نوظهور، ابتدا به زبان هنر درآمده و سپس در زبان فلسفه و علم امکان بروز می‌یابند و از این گذشته، آنچه در مقام علم و آگاهی حصولی ظاهر می‌شود، همواره به آنچه در مقام هنر و ادبیات یعنی مقام آگاهی حضوری ظهور یافته، رجوع می‌کند.

هنرمند انقلاب، در متن انقلاب و رویدادهای برآمده از آن - چون دفاع مقدس - جان خود را از حرارت حادثه لبریز نموده و آن را امانت‌دارانه به قاب تصویر مقید می‌کند. گرچه او - ذهن و زبان او و سلیقه و انگیزه او و حتی تن و حواس شخصی او - در این میان به کلی غایب نیست؛ بر همین اساس، هنرمندان بسیار هریک به شیوه و سیاقی و از دریچه و چشم‌اندازی ماجرا را روایت کردند؛ اما در عین حال هنر اصیل انقلاب، آنگاه متولد می‌شود که هنرمند، در تمنای یگانگی با اقیانوس حادثه و گم‌شدن در سیلاب واقعه و فنا در بحر انقلاب، از ورطه «حدیث نفس» در گذشته و همچون شاهدی صدیق، در تماشاگاه تاریخ بر گوهر انقلاب «شهادت» دهد.

۳. مفهوم «شهادت»، را شاید بتوان مهم‌ترین کلیدواژه برای درک هنر انقلاب دانست. شهادت، در فرهنگ اسلامی و ایرانی تعبیری است با معانی تودرتو و با تداعی چندپهلوی. از سویی به شهود قلبی و دیدار جان دالت دارد و در سنت عرفانی، به معنی رؤیت حضوری حقیقت به چشم دل است که در گرو رفع حجابهای ظلمانی و نورانی است. این «شهود» حق البته خود در پرتو «اشراق» حق ممکن است؛ شرط آن‌که سالک به دیدار مولانا نائل شود، تابش تجلی مولاست بر او. پس این شهود، نه دست‌آورد کوشش خودبنیاد انسان، که ره‌آورد عنایت حق است بر او و البته سهم انسان سالک آن است که به راستی و صدق و صفا، پذیرای پرتو نور قدس بوده و نسبت بدان در مقام افتتاح و گشایش باشد. این «فتح» قلبی، خود هم شرط «شهادت» و هم نتیجه آن است.

از سوی دیگر، شهادت همان حدّ نهایی جانبازی در راه خدا بوده و «شهید» نامی است برای کشتگان راه حق که مظلومانه جان داده‌اند و خون آنان گواه حقانیت ایشان و تباهی دشمنان ایشان است. شهید، حقیقت را با خون خود و سیمای خود و داستان زندگی و مرگ خود، به تصویر آورده و صورتی برای امر مقدس بی صورت می‌گردد. حیات و مرگ شهید، داستانی می‌آفریند که در پرتو آن، مردمان نزاع حق و باطل و نیکی و بدی را با جان و دل و تن خویش لمس می‌کنند. پس شهید در عین حال که تن خویش را از مسیر قربانی کردن تعالی بخشیده و چون روحی جاودانه می‌سازد، روح حقیقت را پیکر بخشیده و در کالبد داستان مبارزه و شهادت خویش مجسم می‌کند و بدین ترتیب، پلی می‌گردد میان امر بی‌زمان و بی صورت و امر زمان‌مند و صورت‌مند؛ میان حیات ابدی و حیات روزمره؛ میان آرمان و واقعیت.

شهادت، به هردو معنا جان‌مایه هنر انقلاب است. شهادت به معنی شهود، «روش» و شیوه هنرمند انقلاب است در مواجهه با پدیده‌ها؛ و شهادت به معنی جانبازی در راه حق، مهمترین «موضوع» یا پدیده‌ای است که هنرمند انقلاب آن را می‌نگرد و روایت می‌کند. هنرمند انقلاب در پرتو مواجهه با شهید و شهادت، آنهم به شیوه شهود و شهادت، جهانی می‌آفریند که در آن سایر پدیدارها پیرامون حقیقت شهادت، پیدا می‌شوند و رنگ می‌یابند و شکل می‌پذیرند. پس شهادت هم روش و رویکرد هنر انقلاب است و هم موضوع و مسأله آن.

۴. این کتاب ارزشمند، ارمغانی است از تجربه غنی هنرمندان بزرگ گونه‌های مختلف هنرهای تجسمی که انقلاب اسلامی ایران را در آینه ذوق خویش، هم خود تماشا کردند و هم به دیگران نمایاندند. هنرهای تجسمی - اعم از نقاشی، عکاسی، کاریکاتور، نقاشی دیواری، طراحی پوستر و نشان، تصویرسازی، پیکره‌تراشی و نگارگری - هر یک در حدوث انقلاب و بقاء آن سهمی داشته و دارند. انقلاب اسلامی در این جلوه‌ها چهره خویش را نمایان کرد و به نیروی آفرینشگری این هنرمندان، آرمانها و آرزوهای مردمانش، تجسم یافتند و مرئی و ملموس گردیدند. شاید زادگاه هنر تجسمی انقلاب را باید در اینجا جست: دست آغشته به خون شهیدی که دیوارهای شهر را به رنگ «خون» - به عنوان نماد شهادت - و نقش «دست»

- به عنوان نماد خونخواهی و یاریگری در راه قیام - تبدیل به تابلویی زنده و گویا می‌کند؛ تابلو یا قابی که پرچم قیام یا نشان نهضت گردید.

بدین ترتیب هنر بیش از هر زمان در میدان حوادث حضور یافته و از کنج گالری‌ها به عرصه خیابانها کشیده شد. عکاسان، رویدادهای پرشتاب را ثبت نموده و از روح واقعه در برابر سرعت تحول، حراست نمودند؛ نقاشان خشم و شوق انقلابیون را از ضمیر ایشان بیرون کشیده و ترسیم کردند؛ طراحان پوستر و نشان، به انقلاب هویتی بصری و نشان‌مند بخشیدند؛ تصویرسازان، ورقهای دفتر حوادث را آراستند؛ کاریکاتوریست‌ها، زشتی طاغوت‌ها را به سخره گرفتند و مجسمه‌سازان، بر روح جاری زمان جامهٔ پیکر پوشاندند.

اثر حاضر، از زبان هنرمندان نسل اول و بنیانگذار، راوی پیدایش پدیدهٔ فرخندهٔ هنرهای تجسمی انقلاب است. این مهم به همت و هوشمندی و هدایت استاد فرهیخته جناب آقای دکتر محمدعلی رجبی دوانی که خود از پیش‌گامان هنر انقلاب هستند، به انجام رسیده است. از ایشان که علاوه بر مدیریت کلان درس‌گفتارها و به‌ثمررساندن این اثر، هم مقدمه‌ای ارزنده و جامع نوشته‌اند و هم بار ارائهٔ بحث در دو حوزهٔ نقاشی و نگارگری را به منزل رسانده‌اند، بسیار سپاسگزارم و سلامت و سعادت ایشان را از خدای مٔان خواستارم. همچنین از هنرمندان بزرگوار آقایان استاد محمدکاظم حسنونند، استاد سیدعباس میرهاشمی، استاد سیدمسعود شجاعی طباطبائی، استاد سیدحمید شریفی آل‌هاشم، استاد محمد خزائی، استاد پرویز اقبالی و استاد طاهر شیخ‌الحکمایی به‌خاطر ارائهٔ این درس‌گفتارهای ارجمند قدردانی کرده و دوام توفیق و عافیت ایشان را آرزو می‌کنم.

نیز از کوشش عزیزان فعال در «مکتب نگارگری کمال‌الدین بهزاد» که برگزارکنندهٔ درس‌گفتارها بودند و نیز مساعی همکارانم در پژوهشکدهٔ فرهنگ و هنر اسلامی به‌ویژه سرکار خانم الهام‌سادات یاسینی و آقای صادق جمالی سپاسگزارم و امیدوارم همگان در مسیر خدمت به هنر و فرهنگ والای ایران، اسلام و انقلاب، کوشا و پایدار باشیم.

**سید حسین شهرستانی**

مدیر گروه حکمت هنر پژوهشکدهٔ فرهنگ و هنر اسلامی



### مقدمه

فرهنگ انقلاب اسلامی دعوت همگان به فطرت و نهاد پاک انسان به عنوان خزانة ودایع و امانات الهی و احیاکننده سنت‌های حسنه لاهوتی است که بر آسمان و زمین و هر آنچه در آن‌هاست حاکم است: «فطرت الله التي فطر الناس علیها» (سوره روم: آیه ۳۰). ذات و فطرت انسان بر پاکی و نیکی بنا شده و سیر راستین از این نهاد، جز با پالایش از زنگار و حجب نفسانی ممکن نیست. هنر که در اصل معنای خود «نیک‌نفسی» یا «انسان‌نیک» است، بیش از سایر طرق معرفت مستلزم تهذیب نفس هنرمند برای درک عالم پاک و نورانی وجود قدسی اوست. هنر، آن نیک‌نفسی است که موجب می‌شود، دل انسان آینه و مجلای تجلیات حق شود؛ اما وقتی آینه در مقابل صورت واقع شد، ذات آینه اقتضا می‌کند که اگر زنگار از رخس ممتاز شود، غماز باشد و این صورت برابر را نشان دهد؛ مولوی می‌گوید:

آینه‌ات دانی چرا غماز نیست؟      زن که زنگار از رخس ممتاز نیست

آنچه در شعار «الله‌اکبر» انقلاب اسلامی نهفته است، اشارت به همین طریقت قدسی و توجه به کنه وجود صورت‌نمای انسان و بشارت به امکان سیر متعالی اوست. به همین سبب داستان پرفرازونشیب انقلاب اسلامی ایران را که با پیشینه‌ای از رنج و مرارت آزادگان و جوانمردان این مرزوبوم در مقابل مهاجمان به ساحت فرهنگ و تمامیت صور اجتماعی و تمدنی به اشک و خون نوشته‌اند، گنجینه‌ای از

تجربه‌های تاریخی را پیش‌رو می‌گذارد که اساس آموزش‌های فرهنگی و هنری را بر مبنای «کلمه الله» رقم می‌زند. غفلت از بنیاد اندیشه و تجربه‌های گران‌بهای تاریخی تمدن اسلامی، حاصلی جز سرسپردگی و پیروی از تمدن بحران‌زده غرب نخواهد داشت. با انقلاب اسلامی، ساحت قدس حق که با ظهور و غلبه نفس اماره انسان، فروبسته شده بود، دوباره ظهور نمود و نیست‌انگاری بشر غرب‌زده را متزلزل ساخت و او را مستعد و پذیرای کلام الهی کرد و دوباره تناقض ذاتی و تخاصم حقیقی ایشان را یادآور شد و توده‌های مستضعف را برای نبرد فراخواند که نجاتشان، متحقق در این جنگ تاریخی است. در نتیجه، مقام شهادت که یکی از موارث سنت اسلامی و غایت بازیابی مقام انسانیت انسان است، دوباره احیا گردیده و هزاران نفر با نثار جان خود در دفاع از حقیقتی که ظهور نموده است، صادقانه پای می‌فشارند. وصیت‌نامه‌های شهدای انقلاب اسلامی که گنجینه گران‌بهای تذکر به حق و حقیقت است و نشان از طریقت عاشقانه آن‌هاست، جلوه بارز آتشی است که با انقلاب مقدس اسلامی در جان پاک انسان‌های دردمند افتاده است. دریکی از آن‌ها این بیت مطلع کلام آمده بود:

ما در ره عشق نقض پیمان نکنیم      گر جان طلبد دریغ از جان نکنیم

انقلاب اسلامی نه تنها تحولی در دل‌وجان رادمردان ملت ایران ایجاد کرد، بلکه دگرگونی بنیادینی را در اندیشه آزادگان امت اسلام و متفکران دل‌آگاه جهان ایجاد نمود و آن‌ها را وادار به تجدیدنظر در اندیشه فرهنگی و سیاسی کرد. خانم دکتر لیلی عشقی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه سوربن می‌نویسد: «وقتی برای اولین بار صحنه‌های نماز دسته‌جمعی را در خیابان‌های تهران دیدم که همه در حال سجده، خود را به شکل جنینی جمع کرده بودند، صدایی در من گفت: ملتی دارد به دنیا می‌آید؛ و ما به دنیا نمی‌آییم مگر آن‌که کسی منتظرمان باشد و کسی منتظر بود»<sup>۱</sup>. همچنین درباره برخورد انقلاب اسلامی با نظام فکری و سیاسی غرب می‌نویسد: «انقلاب ایران دقیقاً جوابی معکوس به دنیا بود، گویا می‌خواست بگوید آنجا که ارتباط با مبدأ و با دیگری مطرح است،

۱. لیلی عشقی، زمانی مابین زمان‌ها (امام، شیعه و ایران)، مجله پژوهشنامه متین، شماره ۲، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲

امکان آزادی بیشتر است. انقلاب ایران که بعضی آن را در غرب «انقلاب به نام خدا» نام نهادند، عکس‌العملی به بن‌بست‌های ایجاد شده در غرب بود.<sup>۱</sup> یکی از این بن‌بست‌ها، بن‌بست هنر در جامعه غربی است. شاید بتوان گفت که امروز به واسطه سلطه تفکر غربی بر جهان، «عصر بی هنری» است؛ زیرا هنر امروز با نفی امر قدسی که باطن هنر حقیقی بوده، از ریشه جدا گشته و ساقه آن بین زمین و آسمان معلق مانده است. از این رو هنر جدید با جامعه انسانی نمی‌تواند مرتبط باشد، زیرا ارتباط انسان‌ها با هنر از طریق درک فطری آن‌ها از حقیقت قدسی هنر به وجود می‌آید. پوسته‌های رنگارنگی که با ترفندهای تبلیغاتی، هنر معرفی می‌شوند، نتوانسته است جایگاهی در اجتماع بزرگ بشری به خود اختصاص دهد و مرگ هنر آشکار شده است.

یکی از دلایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران در عصر بی خبری از حق و حقیقت و کفر مضاعف بشر امروز، وجهه روحانی و معنوی آن بود که توسط رهبر انقلاب، حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) دائماً مورد تذکر واقع می‌شد. ایشان در یکی از اظهاراتشان فرمودند: «انقلاب اسلامی بزرگ ما، قبل از آنکه انقلاب سیاسی و اجتماعی باشد، یک انقلاب معنوی و روحانی است».<sup>۲</sup>

انقلاب اسلامی، انقلابی علیه استکبار درون و بیرون آدمیان بود. آن‌ها که هویت خود را در آینه مستکبران می‌دیدند و با سرسپردگی و اطاعت از آنان، زمینه استمرار استکبار آن‌ها را فراهم می‌کردند، به خود آمدند و با خودآگاهی و دل‌آگاهی، آینه‌ای را که مستکبران، کبرپایی مجازی و دروغین خود را در آن‌ها می‌دیدند، شکستند و دیگر تحقیر نپذیرفتند و سعی در استقلال و جودی خود با تکیه بر کلمه «الله» نمودند که در انقلاب اسلامی ایران با آن تجدید عهد شده بود. این درسی بود که از بیان قدسی و جان پاک رهبر فرزانه انقلاب، امام خمینی (رحمه‌الله) به ایشان می‌رسید که فرمودند: «من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم. قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه

۱. همان، ص ۲۰۲

۲. کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۷۶، ص ۱۹.

خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابره‌نه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهان خواران و سرسپردگانی که به ستم و جور خویشان اصرار می نمایند، سلب خواهد کرد»<sup>۱</sup>.

روندگان طریقت ره بلا سپرند رفیق عشق چه غم دارد از نشیب و فراز

تفکر شیعه که بر محور ولایت شکل گرفته، عامل دیگری است که نه تنها انقلاب اسلامی را به پیروزی رسانید، بلکه در جهت حرکت انقلاب به سوی تحقق آرمان‌های بلندش، نقش اصلی را ایفا نموده است. شیعه، خواستار جمع سیاست و دیانت است و آن‌ها را از هم تفکیک نمی کند؛ از این رو، ولی و مرشد و راهبر آن باید «حکیم» باشد تا تجلی گاه اسم «الحکیم» خداوند گردد. امام صادق (ع) در شرح آیه ۱۸۱ سوره اعراف فرمودند: «برای خداوند، نام‌های نیک است؛ وی را به آن‌ها بخوانید»، سپس فرمودند: «به خدا قسم ما هستیم نام‌های نیک او که از بندگان، هیچ کرداری پذیرفته نیست، جز به شناختن ما»<sup>۲</sup>.

آنچه در آثار هنرهای تجسمی ناشی از انقلاب اسلامی مشاهده می شود، برگرفته از چنین تعالیمی است که در قلب پاک هنرمندان دل آگاه جوان مستحیل شده و به صورت آثار نقاشی، گرافیک، کاریکاتور، مجسمه سازی و امثال آن بروز کرده است. البته چنین صورت‌های هنری، فقط آینه‌ای برای ظهور چنین اندیشه‌ای بوده است. پس از مطالعه درس گفتارهای هنرمندان در این مجموعه، مشاهده می شود که یک نقاش به همه صور هنرهای تجسمی ورود پیدا کرده است تا بتواند عهد خود را به آئین جوانمردی انقلاب اسلامی ادا کند. شرط جوانمردی این است که جوانمرد از همه خواست و تعلقات خود، دل برکند و خود را محو در حقیقتی متعالی سازد که وجودش را مستحضر کرده است. هنرمندان متعهد به انقلاب اسلامی بر سر این عهد بوده و هستند و آثار هنری آن‌ها که همواره سیر کمالی را پیموده، گواه این مدعا است.

۱. فریاد براءت، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۱۳ و ۱۴

۲. کلینی، ثقة الاسلام، اصول کافی، جلد ۱، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۲۵۷

در اوایل انقلاب و دوره جنگ تحمیلی که هنرمندان با تلاش فراوان سعی می‌کردند تا با آثار هنری خود در جهت حمایت از انقلاب اسلامی تلاش کنند، جمعی با تمسک به مباحث حاشیه‌ای و با استناد به روایاتی اندک و گاهی نامربوط به موضوع هنر از قبیل «لهو و قول زور و...» تلاش می‌کردند تا جلوی حرکت شتابان هنر انقلاب را سد کنند. این مسئله خصوصاً پیرامون هنرهای چون موسیقی و مجسمه‌سازی و تا حدی نقاشی دور می‌زد و سبب ذهنیت‌های نادرستی در جامعه نسبت به این گونه هنرها می‌شد؛ اما امام خمینی (رحمه‌الله) که در مقام رهبریت انقلاب اسلامی و در مقام فقاقت، جایگاه رفیعی داشتند، چنین تصویری از هنر نداشتند و در منشور هنری خویش که در سال ۱۳۶۷ صادر کردند، نه تنها به چنین مباحثی نپرداختند، بلکه هنر را در جایگاه ضرورت ذاتی انقلاب اسلامی و معادل با عمل جهادگران فی سبیل الله شمردند و اجرای آثار هنری را در جهت مقاصد انقلاب اسلامی، یک وظیفه و تکلیف روحانی دانستند.

مضامین جدید که از بطن انقلاب اسلامی و تعلیمات رهبران آن پدید آمد، زمینه خلق آثار هنری جدیدی در هنرهای تجسمی شد که پیش از آن یا هرگز وجود نداشت و یا این که با چنین نگرشی مطرح نشده بود. مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با آگاهی از وجوه مختلف هنر، درس گفتارهای ماندگاری را برای هنرمندان ثبت کرده‌اند که می‌تواند زمینه‌ساز درک صحیحی از هنر اسلامی در دوران انقلاب باشد. ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان در جمع هنرمندان فرمودند: «هنر اسلامی از لحاظ انواع با هنر غیر اسلامی فرقی ندارد، ولی از لحاظ روح تفاوت دارد. هنر یک پدیده انسانی است، یک عارضه‌ای بر روی روح انسان، یک تراوشی از معنویات انسانی است... اگر بتوانیم ایمان اسلامی را به معنای واقعی کلمه در عمق جان خودمان رسوخ دهیم، آنچه از آن تراوش خواهد کرد هنر اسلامی است... حالاً می‌خواهد نقاشی و هنرهای تجسمی و یا هنرهای نمایشی و غیره باشد. باید روی مسئله روح هنر توجه داشت، اما روی هنرمند نمی‌شود دستور داد که هنر اسلامی یا غیر اسلامی بسازد، زیرا هنر تابع الهام درونی هنرمند است»<sup>۱</sup>.

1. <http://farsi.khamenei.ir>

مسائل دیگری همچون جایگاه خاص بانوان و نقش مؤثر آنان در انقلاب اسلامی، می‌توانست مضمون مناسبی برای هنر انقلاب قرار گیرد؛ خصوصاً این‌که توجه خاص امام خمینی (رحمه‌الله) به این موضوع و بیانات تاریخی ایشان نسبت به بانوان، حساسیت چنین امری را برای هنرمندان دوچندان می‌نمود. ایشان در برخی از فرمایشاتشان درباره هویت زن و نقش بانوان در انقلاب اسلامی، فرمودند: «معنویت چهره‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های ملکی و ناسوتی، همه در این موجود (زن) مجتمع است. زن مبدأ همه خیرات است. زن مربی انسان‌هاست... شما ملت شریف دیدید که زن‌های محترم ایران، پیش از مردان به میدان رفته و سد عظیم شاهنشاهی را در هم شکستند و ما همه مرهون قیام و اقدام آنان هستیم»<sup>۱</sup>.

فرهنگ شهید و شهادت یکی دیگر از موضوعاتی است که در انقلاب اسلامی احیاء شد و با مصادیق بسیاری که در دوران انقلاب، اعم از دفاع مقدس و یا حوادث دیگر که تاکنون نیز ادامه دارد، در آثار تجسمی مورد استقبال قرار گرفته و آثار نوینی ابداع شده است. بسیاری از این آثار از لحاظ عمق نظر و روش بیان هنری، در هیچ‌یک از کشورهای اسلامی نمونه ارزشمندی ندارد. هنرمندان هنرهای تجسمی هرگز خود را تماشاچی مظاهر انقلاب ندیدند تا به توصیف وقایع آن بپردازند، بلکه خود مجاهدان فی سبیل الهی بودند که یکی از جلوه‌های وجودشان، آثار هنری آن‌ها بود.

شهید بزرگوار سید مرتضی آوینی که خود مصداق چنین هنرمندانی بود، در توصیف شأن و مقام نقاش انقلاب اسلامی می‌نویسد: «نقاش جنگ، انسانی است که پیش از آن که نقاش باشد، اهل جهاد و مبارزه است و به جنگ، همان‌سان می‌نگرد که حضرت امام، آن‌سان به بسیجیان. نقاش جنگ باید انسانی باشد که جهاد فی سبیل الله را عرصه بی‌همتای وصول به حق بداند. جبهه را به کربلا، نماز مجاهد بسیجی را [همچون] براقی که او را به معراج می‌برد، مرگ در جبهه را، شهادت و شهید را، شمع تاریخ».

۱. زن از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۳۱ و ۳۵

مضامینی همچون عدالت، استقلال، شهادت، جهاد فی سبیل الله، برادری، عبادت و عبودیت حق و تمامی مسائل اخلاقی و اجتماعی و امثال آن‌ها، همگی برای هنرمندان هنرهای تجسمی انقلاب، زمینه مناسبی برای ابداع آثار بدیعشان بود. در چنین احوال و زمانی، تربیت‌یافتگان رژیم طاغوت پهلوی، با اصرار بر اندیشه مرتجعانه خود در برابر این تحول شگرف فرهنگی و هنری، صف‌آرایی کرده و بار در چنین مباحثی، مبتذل‌ترین صورت‌های هنر غربی و وارداتی را ترویج می‌نمودند. شهید آوینی درباره گفتار ساده‌لوحانه ایشان می‌نویسد: «این هنرمندان با رغبت فراوان حاضرند در خدمت تبلیغ صابون و پودر لباسشویی و... آفیش فیلم‌های سینمایی کار کنند؛ اما چون سخن از صدور انقلاب و یا پشتیبانی از رزم‌آوران میدان مبارزه با استکبار جهانی به میان می‌آید، روی ترش می‌کنند که: نه آقا، قبول سفارش، هنر را می‌خشکاند! این کدام هنر است که برای پروپاگاندا تجاری فوران می‌کند، اما برای عشق به خدا، نه؟ آیا هنرمند با این انتخاب، نوع تعهد خویش را مشخص نکرده است؟ حال آن‌که آزادی حقیقی تنها در عشق به خداست و هنر، آنگاه حقیقتاً آزاد می‌شود که غایتش وصول به حق باشد»<sup>۱</sup>.

در حالی که هنرمندان طاغوت‌زده از داخل و خارج کشور علیه هنر انقلاب اسلامی موضع‌گیری می‌کردند، متأسفانه بی‌مهری برخی از مسئولین نیز رنج هنرمندان متعهد را بیش‌ازپیش می‌کرد. شعارهای انقلابی و تصاویری که هم از نظر فرهنگ انقلاب و هم از نظر اسناد تاریخی بسیار مهم بود، از روی دیوارها پاک می‌شد و به‌جای آن‌ها، آگهی‌های تبلیغاتی و گاهی اجناس غربی جایگزین می‌شد!

از آنجایی که تقدیر زمان ما بر پایداری انقلاب اسلامی در مقابل غول طاغوت جدید است و اراده الهی بر شکست این بت بزرگ و به فرمایش امام خمینی (رحمه‌الله)، «شیطان بزرگ» و خانه عنکبوتی اوست، اراده یاران انقلاب روزبه‌روز محکم‌تر گردیده و ذوق و بینش هنرمندان آن نیز پربارتر شده است تا حقایق مکنون انقلاب اسلامی بیش‌ازپیش نمایان شود. در انقلاب اسلامی گروهی جان خود را که عزیزترین ودیعه الهی آن‌ها بود، به صاحب جان خود تقدیم کردند و به مقام

۱. مرتضی آوینی، منشور تجدید عهد هنر، مجله سوره، شماره ۱، ۱۳۶۸

یقین شهادت نائل آمدند و گروهی هم ماندند تا این طریق دلدادگی را روایت کنند. اینان ذخایر انقلاب اسلامی و شهیدان زنده‌ای هستند که می‌توانند روایتگر صادقی از احوال یاران دل‌داده خود باشند. در هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی ایران، هم‌پای سایر هنرهای انقلاب جوانانی ظهور کردند که بی‌شک نامشان در تاریخ هنر معاصر و آینده کشور عزیزمان باقی خواهد ماند.

در میان این هنرمندان واله و شیدای انقلاب و اسلام که در جوانی به دیار باقی شتافتند، نام‌های برجسته‌ای است که می‌بایست از آن‌ها در مقامی دیگر ادای دین نمود، اما باید از دو هنرمند هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی، مرحومان ابوالفضل عالی و دکتر سید عبدالمجید حسینی‌راد که در رشته‌های گرافیک و نقاشی و مباحث نظری هنرهای تجسمی انقلاب، بسیار شاخص بودند یاد کرد و از خداوند منان علو درجات و رحمت بیکران را برایشان آرزو نمود.

به موازات فعالیت هنرمندان نقاش، گرافیست، کاریکاتوریست، مجسمه‌ساز و تصویرساز، کسانی نیز تلاش می‌کردند تا با طرح پرسش‌های بنیادین درباره باطن انقلاب و چرایی و چگونگی هنر در ساحت این فرهنگ غنی تفکر نمایند و قلم و بیان خود را مصروف چنین طریقتی کنند. در میان آن‌ها جایگاه شهید بزرگوار سید مرتضی آوینی که دستی هم بر هنرهای نقاشی و شعر و ادبیات داشت، والاتر از بقیه نمودار گشت. او که از سویی با همه مرارت‌ها در صداوسیما و بی‌مهری مسئولین آن، به ساخت مستند زیبای «روایت فتح» می‌پرداخت و از سوی دیگر در مقابل دشمنان داخلی که افسارگسیخته، مقدسات انقلاب از جمله هنر آن را مورد هجوم قرار داده بودند، ایستادگی می‌کرد و با سخنرانی و مقالات خود پاسخ‌های تاریخی به آن‌ها می‌داد و از سوی دیگر در جهت تحقیق در زمینه راه‌های دستیابی به هنر والای تجسمی و تصویری انقلاب اسلامی به تفسیر و تأویل نمونه‌های شاخص ابداعی آن‌ها می‌پرداخت. برخی دیگر از متفکران انقلاب اسلامی با طرح نظریات حکمی، مباحث بنیادین تفکر هنری در فرهنگ اسلامی را متذکر شدند که گرچه زمانه، هنوز مستعد دریافت بطن حقایق سخن آن‌ها نیست، اما تا همین اندازه هم، دل‌آگاهان جوینده این طریق را متأثر نموده و راه‌گشایی کرده است. حکیم فقید دکتر سید احمد فرید با طرح اصول تفکر

و بنیادهای اندیشه اسلامی و از سوی دیگر افشای حجاب کفر مضاعف غرب‌زده امروز که بر جامعه بشری سایه افکنده، مهم‌ترین خدمت را در جهت احیای تفکر دینی و انقلابی داشت. شاگرد فقید ایشان مرحوم سید عباس معارف، اندیشمند و هنرمند بزرگوار نیز به تبیین نظر استادش با اضافات و افاضات عالمانه خود که حاصل سلوک باطنی و هنری او بود، بیش‌ازپیش طریقت هنر انقلاب اسلامی را پیش روی هنرمندان قرار داد و از دیدگاه حکمت انسی، پرده از حقایقی برداشت که گرچه بر عارفان بالله معلوم بود، ولی در محاق عصر بی‌خبری غرب‌زده تاریخ معاصر، گم‌گشته بود.

در مقابل این تحولات شگرف هنری و فرهنگی، جماعتی از بی‌هنران که خود را در خیل هنرمندان وارد نموده و جمهوری اسلامی را فاقد هرگونه تئوری و خط‌مشی در حوزه هنر می‌دانند، پا را فراتر گذاشته و این نظام مقدس را بآن‌همه آثار هنری فاخر و مباحث بدیع و عالمانه، مخالف هنر معرفی می‌کنند.

اگر به بیانات پندآمیز حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) و پس از ایشان به رهنمودهای هنری مقام معظم رهبری توجه کنیم، خواهیم دید که در ساحت اندیشه این دو رهبر بزرگوار تا چه اندازه ژرف‌نگری و هدایت در حوزه هنر وجود داشته است. مقام معظم رهبری مباحثی درباره شکل ظاهری هنر (فرم) و حقیقت (محتوا) آن بیان داشته‌اند که نشان‌دهنده عمق بینش و آگاهی ایشان نسبت به هنر و دعوت هنرمندان به ورود در چنین مباحثی است. ایشان در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر پیرامون اهمیت فرم و محتوا توأمان فرمودند: «هنرمند هم در باب فرم و قالب هنر خودش و هم در قبال مضمون تعهد دارد. کسی که قریحه هنری دارد، نباید به سطح پایین اکتفا کند. این یک تعهد است. هنرمند تنبل و بی‌تلاش، هنرمندی که برای تعالی کار هنری خودش و ایجاد خلاقیت تلاش نمی‌کند، در حقیقت به مسئولیت هنری‌اش در قبال قالب عمل نکرده است. هنرمند باید دائم تلاش کند. البته ممکن است انسان یک‌وقت به جایی برسد که بیش از آن نمی‌تواند تلاش کند؛ بحثی نیست، اما تا جایی که می‌تواند باید برای اعتلای قالب هنری تلاش کند. این تعهد در قبال قالب، بدون یک احساس شور و عشق و مسئولیت ایجاد نمی‌شود. البته این شور و عشق هم مسئولیت

است... علاوه بر این تعهد در قبال مضمون است. ما چه می‌خواهیم ارائه بدهیم؟ اگر انسان محترم و عزیز است، دل و ذهن و فکر او هم عزیز و محترم است. نمی‌شود هر چیزی را به مخاطب داد. فقط به صرف این که او نشسته و به حرف‌های ما گوش می‌دهد.<sup>۱</sup>

همین‌طور در جایی دیگر فرمودند: «عزیزان توجه داشته باشید هنری که امروز به نام هنر اسلامی و هنر انقلابی ارائه می‌شود، آبروی جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی است، لذا باید هم از لحاظ تکنیک و هم از لحاظ محتوا، همواره در منتهای قوت باشد... باید محتوای هنر و قالب آن، هر دو با هم و به موازات هم ترقی و پیشرفت داشته باشد».<sup>۲</sup>

به هر حال آنچه در این مجموعه آمده، حاصل یک دوره از درس‌گفتارهای استادان محترم هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی است که در سال ۱۳۹۵ در «مکتب نگارگری کمال‌الدین بهزاد» برگزار شد و مطابق قرار با آن استادان بزرگوار، ایشان می‌بایست ضمن بیان نظریات خود درباره هنر انقلاب اسلامی در هر یک از رشته‌هایی که در تخصص آن‌هاست، به شرح تجربه هنری و انقلابی خود نیز پردازند و بخشی از فعالیت هنری‌شان را با ذکر مصادیقی بیان نمایند. لازم به ذکر است که استادان مدعو در درس‌گفتارهایشان، نمونه‌ها و مصادیق بسیاری را نشان دادند که به سبب حجم زیاد، منتخبی از آن‌ها در این مجموعه آورده شده است.

برنامه از این جهت برگزار گردید تا معلوم شود جوانانی که روزی با امکانات محدود و توان هنری دانشجویی خود، آثار ارزشمندی را ابداع کردند، امروز کماکان با استقامت در جهاد فی سبیل‌الله و تجربیات و درک هنری بسیار گران‌بها تر از گذشته، در دفاع از ارزش‌های انقلاب به وظیفه هنری خود عمل می‌کنند. این گروه از استادان بزرگوار که امروز در دانشگاه‌های گوناگون کشور تدریس می‌کنند، به‌عنوان نمونه‌های موفق استادان هنر کشور شناخته می‌شوند و آثار ایشان درس‌های جدیدی را به عرصه آموزش و پژوهش هنر دانشگاه‌ها وارد

1, 2. <http://farsi.khamenei.ir>

کرده است. البته آن‌ها با خضوع انقلابی و مؤمنانه، راضی نمی‌شدند از خاطرات خود و تجربیات آثار خویش سخن بگویند و همواره بر این عقیده بودند که ما هرچه بوده و هستیم، در کارهایمان متجلی است، بگذارید دیگران قضاوت کنند؛ اما «مکتب نگارگری کمال‌الدین بهزاد» ضمن احساس تعهد نسبت به چنین امر خطیری، در تداوم درس‌گفتارهای خود در ابواب گوناگون هنر که توسط استادان محترم حکمت، فلسفه، ادبیات و هنر صورت گرفته بود، از ایشان درخواست نمود تا با پذیرش این دعوت، گامی دیگر در جهت معرفی و اعتلای هنر انقلاب اسلامی بردارند.

یکی از مسائلی که لازم می‌دانم متذکر شوم، این است که حمایت از آثار هنر انقلاب اسلامی، وظیفه قطعی دولت‌ها و مسئولان نظام است زیرا ماهیت هنر انقلاب از جمله هنرهای تجسمی، با بازار مکاره هنر نه‌تنها ارتباطی ندارد، بلکه در جهت مقابل آن است. می‌توان چنین گفت که یک اثر نقاشی انقلاب با مضامین و نحوه بیان هنری آن، هرگز با اتاق خواب و یا سالن‌های مجالس فسق سرمایه‌داران و دلالان هنری مناسب ندارد. آن‌ها در جست‌وجوی هنری هستند که به هنگام سرمستی از عیش دنیوی، در تمدد عیششان همراه باشد. یک اثر نقاشی انقلاب که به‌منظور شکستن مستی و خواب و بی‌خبری‌ها ابداع شده، هرگز مورد توجه این جماعت نخواهد بود، و همواره در اندیشه توطئه برای محو آن هستند، پس حالا جای این سؤال باقی می‌ماند چرا دولت‌ها و ارگان‌های مربوطه وظائف خود را نسبت به حمایت از این آثار انجام نمی‌دهند.

«مکتب نگارگری کمال‌الدین بهزاد» مفتخر است که از تاریخ تأسیس آن در سال ۱۳۷۶ تاکنون ضمن آموزش در زمینه رشته‌های گوناگون هنر نگارگری اسلامی ایران و تربیت هنرمندان شایسته در این زمینه، تحقیقات گسترده‌ای را نیز بر محور حکمت هنر اسلامی، تاریخ هنر ایران، مبادی هنر کودکان و هنر انقلاب اسلامی انجام داده است. همچنین با برگزاری نشست‌های علمی و دعوت از استادان عالی‌مقام فلسفی، علمی و هنری، طرح مباحث گوناگون حکمت و فلسفه هنر را به صورت درس‌گفتار به انجام رسانده است. در خلال چنین برنامه‌هایی، از استادان بزرگوار هنر کشور و برخی از محققین سرشناس هنر اسلامی که به کشور

می‌آمدند، دعوت می‌شد تا با آشناسدن نسبت به فعالیت‌های هنری و مشاهده آثار هنرمندان مکتب بهزاد، نظریات عالمانه خود را ابراز نمایند. این فعالیت‌ها در حالی انجام گرفته که بی‌هیچ وابستگی به ارگان و نهادی و حتی هیچ‌گونه کمک مادی و معنوی از سوی آن‌ها به کار خود ادامه داده است. در میان برنامه‌های تحقیقی مکتب نگارگری، این درس گفتارها از ویژگی خاصی برخوردار است، زیرا اجرای آن اثبات این مدعاست که هنر انقلاب زنده و پویا و در مرحله خودآگاهی تاریخی خود قرار گرفته و آنچه تجربه نموده است می‌تواند به صورت درسی جدید در پاسخگویی به معضلات زمانه و احیاکننده سنت حسنه فرهنگ تاریخی مان که همانا تذکر به «ایام‌الله» است، متناسب با دوران جدید و آینده انقلاب، باشد. با این‌که هم‌اکنون این توانایی از سوی هنرمندان نسل اول انقلاب وجود داشته و بارها از مسئولان محترم، تأسیس دانشگاه یا حداقل دانشکده هنر انقلاب اسلامی درخواست شده است، اما متأسفانه تاکنون هیچ توجهی توسط آن‌ها ملاحظه نمی‌شود. تدریس مستقیم هنرمندان نسل اول انقلاب و انتقال تجربه‌هایشان که صورت علمی و عملی هم یافته، می‌تواند هنرجویان و طالبان هنر حقیقی را با این عوالم آشنا ساخته و حرکت تاریخ هنر معاصر ما را در پیوند مستقیم با مآثر تاریخی خویش قرار دهد. این درس گفتارها پس از مراحل پیاده‌سازی و ویرایش اولیه، به گونه‌ای انجام گردید که ادبیات گفتاری هر یک از هنرمندان حفظ شود و سپس تحویل استادان محترم گردید تا با ملاحظه و ذوق ایشان، ویرایش نهایی انجام گردد. حال اگر هنرمندان، محققان، دانشجویان و هنرجویان، با دقت به مباحث مطرحه در این درس گفتارها توجه کنند، نکات بسیار مهم و قابل تأملی را خواهند یافت که می‌تواند هر یک، منشأ تحقیقات و پژوهش‌های نوینی در عرصه هنرهای تجسمی معاصر گردد.

این درس گفتارها که به صورت یک جلسه برای هر استاد در نظر گرفته شده، به عنوان شروع کلاس‌هایی از این نوع بود. امید است که در آینده با برگزاری کلاس‌های مشابه توسط سایر استادان هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی، مجموعه‌های بیشتری را به فرهنگ و هنر کشور تقدیم کنیم. تنظیم و تدوین این درس و چاپ و نشر آن که در طلیعه دهه پنجم انقلاب است، مبین تحکیم فرهنگ

و هنر انقلاب و تجدیدعهد هنرمندان آن پس از گذشت چهل سال پرتلاطم و پرثمر این تحول فرهنگی-سیاسی در جهان امروز است. امید است این مجموعه به عنوان هدیه‌ای به ساحت مقدس امام زمان (عجل‌الله‌فرجه) و روان پاک شهیدان سرفراز انقلاب و ایثارگران پاک‌باز و رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای و رهروان صدیق انقلاب اسلامی ایران در جشن ورود به قرن پانزدهم هجری در سایه‌سار نظام اسلامی باشد. بر خود لازم می‌دانم از همه هنرمندان بزرگوار، آقایان دکتر محمد خزایی، دکتر محمد کاظم حسنونند، استاد سید مسعود شجاعی طباطبایی، استاد سید عباس میرهاشمی، دکتر پرویز اقبالی، استاد سید حمید شریفی آل‌هاشم و استاد طاهر شیخ‌الحکما که در این درس گفتارها شرکت کرده و زحمت و ویرایش آن‌ها را تقبل نموده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم. از استادان ارجمند آقایان دکتر حبیب‌الله صادقی و دکتر کاظم چلیپا که در دو جلسه درس گفتار نقاشی انقلاب اسلامی شرکت کردند و مطالب مفیدی را ارائه نمودند، سپاسگزاری می‌نمایم. لازم به ذکر است که این استادان بزرگوار به سبب مشغله فراوان، فرصت ویرایش نیافتند و این مجموعه از مفاد درس‌های ایشان بی‌بهره شد. ضمن آرزوی سلامتی برای ایشان، امید است در دوره‌های آتی این برنامه، توفیق استفاضه و تدوین درس‌های ایشان نیز حاصل شود.

از همه دوستان و هنرجویانی که در مراحل آماده‌سازی این مجموعه تلاش کرده‌اند نیز تشکر می‌کنیم. از آقای دکتر یامین‌پور؛ رئیس محترم پژوهشکده فرهنگ و هنر که چاپ این کتاب را ممکن کرده‌اند، نهایت سپاسگزاری را دارم. همچنین برادر ارجمندم جناب آقای سید مسعود شجاعی طباطبایی به خاطر همکاری در مراحل آماده‌سازی این مجموعه و در اختیار گزاردن تصاویر آثار استادان، تشکر و قدردانی می‌نمایم. از خانم‌ها محبوبه رزمجو و زینب رجبی که در این مجموعه سعی فراوان نمودند سپاسگزاری می‌شود و برای همه سالکان طریق فرهنگ و هنر انقلاب اسلامی آرزو توفیق و سلامت دارم.

من الله التوفیق  
محمدعلی رجبی دوانی

۱۳۹۹